

تاریخ

بسم الله الرحمن الرحيم

در ارتباط با سؤال یک‌تان که می‌دانید که پارت‌ها یک قومی هستند که مورخین مختلف، یونانی، رومی، چینی و بعد از آن مورخین اسلامی در مورد این‌ها زیاد صحبت کردند و بنا به نظرهایی که وجود دارد، در سال‌نامه‌های آشوری، یعنی حدود قرن هفت قبل از میلاد، سال‌های ۶۷۳، در یکی از سال‌نامه‌ها به اسم سال‌نامه "آسار حدون" به پارت‌ها اشاره شده و آنجا ادعا می‌کند که در میان اسرایی که داشته سه تا از آن‌ها، "زان‌آسا"، "اوپیس" و شخص دیگری، دو نفرشان البته، دو نفر به اسم "زان‌آسا" و اوپیس از اهالی "پارتاکا" بودند که در حدود ۶۷۳ قبل از میلاد این جنگ شکل گرفته.

اما بعد از آن اگر بخواهیم به پارت‌ها اشاره کنیم، قدیمی‌ترین اشارت به پارت‌ها در کتیبه بیستون و لوح بزرگ داریوش در بیستون است که، و الواحی هم که در تخته جمشید داریم باز به پارت‌ها اشاره کرده که به این ایالت نام برده، اشاره کرده. و آنجا اشاره می‌کند، داریوش می‌گوید: «پارت و هیرکانیه بر من شوریدند.» و در همین بند است که از کتیبه بیستون می‌گوید: «این‌ها پادشاهانی که به فرمان من آمدند و به خواست اهورا مزدا، من بر آن‌ها شادم.» که آنجا به "پارسوا" و "پارتوا" و "پارتیا" و ناحیه شرقی و به هر حال دروازه‌های پادشاهان را می‌گوید، اشاره می‌کند داریوش و به هر حال این اشاراتی است که ما داریم.

و در منابع چینی هم باب است که به پارت‌ها می‌گفتند "آن-س‌ها". البته "آن-ش‌ها" هم می‌گویند ولی بیشتر "آن-س‌ها" و بعضی‌ها هم معتقدند این "آن-س‌ها" همان "آس‌ها" یا همان "آلان‌ها" هستند که به هر حال در منابع چینی ذکر شده.

در سانسکریت و ایغوری هم به صورت "آر-سی" و در ختنی به اسم "آنگی" و شاید "آگنی" و باز سانسکریت به اسم "آرس‌ها" و "پرکید" آمده که به هر حال در منابع مختلف به آن اشاره می‌شود.

خب آس‌ها و آلان‌ها در غرب آسیا بودند و در نواحی شرق دریای خزر ابتدا مسکون شدند و، البته بیشتر در استپ‌ها زیست می‌کردند که بیشتر اعتقاد دارند که در ابتدا این‌ها مردمی چادرنشین بودند.

البته خب بعداً مدارکی که باستان شناس‌هایی که در آن مناطق کار کردند، نشان می‌دهد که از دوره هخامنشی ما وضعیت شهرنشینی را در شمال شرق ایران داریم و نشان می‌دهد که این مردم چنان هم با معماری بیگانه نبودند.

خب زبان‌شان هم یک چیزی است بین زبان "مادی" و "سکایی" و اصطلاحاً آمیخته با هر دو زبان مادی و سکاییست که در این جامعه وجود داشته و به هر حال ما پارت‌ها را بیشتر امروز در دنیا به خاطر بحث، حتماً کلمه پارتیزان را شنیده‌اید، این کلمه از پارت‌ها آمده که جنگ‌های نامنظمی که داشتند و شیوه جنگ این‌ها، جنگ و گریز بوده و به هر حال یک شیوه خاص بوده که به هر حال تا قرن بیستم هم، حتی بیست و یکم هم این واژه به کار می‌رود که حمله می‌کردند به دشمن‌شان و به طریق جنگ و گریز دشمن را مغلوب می‌کردند.

خب "ژوستی‌نیوس" و یا "یوستیانوس" مورخ رومی در دربار امپراتوری روم اشاره می‌کند که: «پارت‌ها از مردم سکایی بودند و کلمه پارت هم به معنای تبعید شده است» که باز یکی دیگر از مورخین به اسم "تارن" اعتقاد دارد که قوم "داهه" قبایل مختلفی داشتند که این‌ها از تیره‌های اصلی ایرانی نژاد هستند و زبان‌شان هم شمالی است و نزدیک، از گروه زبان‌های شمالی و نزدیک زبان "سغدی" سخن می‌گفتند.

خب از حدود ۲۵۰ قبل از میلاد داریم که سرکرده این‌ها به اسم "ارشک" که سرکرده قبیله "پرنه" بود به این، قیام می‌کند علیه فرماندار منطقه و به هر حال همین قیام باعث می‌شود که آهسته آهسته ایرانیان خودشان را از زیر یوغ حکومت یونان مآبی خارج کنند.

در ارتباط با هنر اشکانیان، چون می‌دانید که ما یک دوره از یونان مآبی را داشتیم، یعنی در واقع از بعد از شکست هخامنشیان از مقدونی‌ها یا همان یونانی‌ها، در واقع اسکندر به هوای اتحاد دنیای آن روز قدم بر

می داشت. چون می دانید که ما یک دوگانه‌ای را در آن دوران داشتیم. این دوگانه تمدن شرقی بود و تمدن غربی که به هر حال تمدن هخامنشی حملاتی را به غرب داشت، خب چندین بار هم تا دل یونان پیشرفت، حتی آتن سوزانده شد و خب بسیاری حمله اسکندر را به دلیل تلافی آن داستان آن حملات هخامنشیان از خصوصاً داریوش و خشایار شاه به بعد می دانند. اما وقتی که به هر حال سپاه یونانی شرق را گرفتند و تا هندوستان پیش رفتند و این طرف تا مرز چین پیش رفتند، البته چینی هنوز وجود ندارد به آن شکل، اما بعداً، در حدود ۱۰۰، ۱۵۰ سال بعد با سلسله "هن" مواجه هستیم که البته هنوز در گزارش‌ها اشاره‌ای به چین و آن سرزمین نشده؛ حتی در نقشه‌های جغرافیا هم اشاره‌ای به آن نقشه جغرافیایی که غربی‌ها از حدود ۲۲۰ قبل از میلاد، ما نقشه‌هایی که داریم، اشاره‌ای به چین نشده. اما هندوستان را می‌شناسند، تا دروازه‌های هندوستان، قسمت‌های عمده هندوستان گرفته می‌شود.

کل شمال آفریقا و مصر را، مناطق شناخته شده آن روز بوده و در تصرف هخامنشیان بوده، به تصرف یونانی‌ها در می‌آید و اسکندر یک بحث را دارد که ما یک وحدت جهانی را در هنر، عقیده و مذهب و دیدگاه باب کنیم. و همین است که می‌بینیم ایجاد شهرها و کلونی‌ها و دسته‌های بزرگ مهاجر از یونان به مناطق مختلف آغاز می‌شود؛ به نحوی که مثلاً به طور مثال یکی از این کلونی‌ها شهر، در واقع "بلخ" هست یا همان "بکتربا"، بلخ امروزی که در شمال افغانستان قرار دارد، در مرز تاجیکستان. این منطقه کاملاً یک کلونی نشین یونانی می‌شود. یعنی در واقع شما آن جا می‌بینید که ما شهرها و تأسیساتی که ساخته می‌شود در ابتدا کاملاً متأثر از هنر یونانی است.

کلاً در "نسا" مثلاً ما شیوه‌های معماری یونانی و بخش‌هایی البته و، ولی عمده، شیوه‌های، سنت‌های بومی و محلی و سنت‌های ایرانی را داریم. یعنی در واقع در حدود ۲۵۰ قبل از میلاد که اشکانیان نسا را که در ۱۸ کیلومتری غرب "عشق‌آباد" که پایتخت کلونی ترکمنستان هست که بعضی‌ها همین عشق‌آباد را "اشک‌آباد" هم می‌دانند، که می‌دانید که یکی از طولانی‌ترین کاوش‌ها هم در همین شهر از ۱۹۲۵ "ویژل" و "گورودکیچ" از

موزه عشق‌آباد در این محل کار کردند که گور شاهان اشکانی را که در منابع به ایشان اشاره شده بود، آن‌ها پیدا می‌کنند.

بنابراین قدیمی‌ترین کاوش‌ها را در این، کاوش‌های باستان‌شناسی را از این زمان داریم و در عشق‌آباد و در همین محلی به اسم نسا که اسم اشکانی‌اش "پارتا نیسا" است و در این محل ما دو، یک شهر بزرگ و یک دژ بزرگ را داریم و نخستین پایتخت اشکانیان را.

خب در اینجا ما یک هنر ترکیبی را داریم که در مجسمه‌ها و بعضی آثار هنری، هم وجوه هنر غربی، یعنی در واقع مجسمه‌های برهنه به شیوه غربی، خدایان یونانی، الهه‌های یونانی و مجسمه‌های شرقی با ویژگی‌های محلی و ویژگی‌های عام هخامنشی در نسا دیده می‌شود؛ مخصوصاً در عاج‌هایی که، ریتون‌های عاجی که از نسا پیدا می‌شود. فلذا اشکانیان در ابتدا وام‌دار ملغمه‌ای از هنر هخامنشی و محلی و تحت تاثیر جریان حاکم یونانی هستند. ولی آهسته آهسته می‌بینیم که در همان ابتدا شروع به بازیابی هنر خودشان می‌کنند.

ما در نخستین تالارهای نسا شکل معماری هخامنشی را می‌بینیم که آهسته آهسته شکل خودش را پیدا می‌کند و به هر حال هنر نسا این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد که البته سال‌ها کاوش در نسا در دژ پنج ضلعی قدیمی‌اش که حدود ۱۴ هکتار مساحت دارد و خود شهر نسا جدید این‌ها را به ما نشان می‌دهد که برای نخستین قدم‌ها این اشکانیان هستند که به هر حال می‌آیند و یک سری از سنت‌های ایرانی را که همان سنت‌های هخامنشی‌اند را زنده می‌کنند.

به طور مثال ما در نسا استروکاه‌ها را داریم، یعنی در واقع سفال‌هایی که روی آن‌ها نوشته می‌شده که به هر حال به تأسی از همان هخامنشیان است. می‌دانید که ما بایگانی‌های عظیمی را در دوران هخامنشی داریم؛ بنابر این اشکانیان به همین شکل این را ادامه می‌دهند.

خب فضاهایی که داریم، بناهایی که داریم، چندین بنای خاص را در نسا داریم و در اینجا بنای کاخ - معبدی داریم که ستون دار است، با ستون‌های شبدری. برج معبد داریم، خود معبد مدور را داریم و یک معبد قرمز رنگ یا معبد سرخی که، سرخ رنگی که اخیراً در کاوش‌های هیأت ایتالیایی در سال‌های اخیر پیدا شده. قسمت عمده این در همان مرحله اول، ۱۹۴۸، ۲۸۰۰ سفال‌نوشته به زبان آرامی در بایگانی اشکانیان در مورد تاکستان‌های شاهنشاهی در اطراف نسا و بحث تاک داری و انگورچینی و انبار کاری و تخمیر صحبت شده.

خب این نکته مهمی است که نشان می‌دهد که به هر حال اشکانیان به این موضوع خیلی خیلی توجه داشتند. خب شهر مرو هم به همین شکل، همین ویژگی‌ها را دارد و در واقع همین سنت‌ها را ادامه می‌دهد.

ما صدها المان هخامنشی را و هنر ایرانی را در نسا داریم که آهسته آهسته زنده می‌کند؛ از جمله بناهای ایوان‌دار با ستون و اشکال سنگی. ولی در کنارش باز تأثیر هنر یونان را به صورت جدی شما می‌توانید ملاحظه بفرمایید؛ مهرهایی که در نسا داریم، سکه‌هایی که داریم و به هر حال کارهایی که هست و بعد از آن خب به هر حال در سایت‌های دیگر هم این اتفاق تکرار می‌شود؛ از جمله در "منصور تپه" که در سال‌های اخیر در نزدیکی ۷ کیلومتری نسا کاوش شده، مربوط به یک فضای دیوار دفاعی است که احتمالاً مربوط به مردم عمومی است.

این‌ها اطلاعاتی است که ما داریم و آهسته آهسته این شکل از کارها ادامه پیدا می‌کند و در حدود ۱۵۰ قبل از میلاد که اشکانیان، ۱۴۸، به غرب ایران می‌رسند، همدان را فتح می‌کنند و دروازه بین‌النهرین را می‌توانند باز کنند؛ یعنی چه؟

یعنی که می‌توانند به بین‌النهرین بروند و میراث‌دار هخامنشیان بشوند، هر چند خودشان را میراث‌دار هخامنشیان می‌دانستند، بنابراین سعی می‌کنند در خیلی از ویژگی‌های هنری خودشان را متأثر کنند از هخامنشیان.

ما در این دوره می‌دانید که خیلی‌ها اعتقاد دارند اشکانیان سیستم ملوک الطوایفی داشتند. در سیستم ملوک الطوایفی اصطلاحاً، یا حالا چه بگوییم، نوع خاصی از فدرال، حالا فدرال خیلی پیشرفته است، مربوط به دولت‌های امروزی‌ست، اما نوع خاصی داشتند و اختیاراتی که به قلمرو خودشان می‌دادند و بخش‌هایی می‌دادند. ولی در شیوه‌های معماری به طور مثال معماری منصور تپه با "ابوقبور" در عراق، با "خوره" ایران، با "کاخ نیپور" و با بنایی که اخیراً در "سراب مورت" در گیلانغرب پیدا شده گویا یک سبک معماری‌ست که یک حیاطی در جلو، حالا بعضی از این‌ها یک ایوان در جلو دارند و یک سری فضاهایی، یک فضای چهارگوش در قسمت پشت ایوان دارند که اتاق‌های اطراف این را احاطه کرده.

این در نیپور، در پلان کاخ نیپور دیده می‌شود، در خوره محلات دیده می‌شود که البته هرچند خوره را بعضی‌ها ساسانی هم گفتند اما بیشتر ابتدا می‌گفتند این سلوکی است اما خوره یک بنای، می‌شود گفت که اربابی‌ست. یعنی در واقع نمی‌توانیم بگوییم کاخ است. یک کاخ محلیست، اربابی است.

در ابوقبور در عراق، در منصور تپه این‌ها دیده می‌شود که به هر حال همه این‌ها در حد شاهی نیستند اما حاکمان کوچکی هستند که این کاخ‌های کوچک را اصطلاحاً ما می‌توانیم به ایشان بگوییم که خانه‌های اربابی، اینطور شاید واژه‌ای که زنده‌یاد آذرنوش به کار می‌گیرد در حاجی‌آباد، البته در دوره ساسانی، بحث خانه‌های اربابی را مطرح می‌کند و معتقد است که این خانه اربابی، این ویژگی‌ها را دارند و یک سبک خاص معماری در دوره اشکانی آغاز می‌شود در پلان. این در پلان.

در حوزه مصالح ما استفاده گسترده از آجرهای، آجر و خشت را، آجر یعنی پخته، خشت، به هر حال خشت یعنی خام، مخصوصاً آجر را داریم و استفاده گسترده از طاق‌ها که اگر بپذیریم ایوان "کوه خواجه" اشکانی است که حالا دلایل خیلی زیادی هم هست که اشکانی‌ست و دلایلی هم بعضی از باستان‌شناسان می‌آورند که اوایل ساسانیست، اما به هر حال ما نخستین گنبد را داریم که گنبد شناخته شده البته شاید در آینده اطلاعات

بیشتری داشته باشیم، اما نخستین گوشواره‌ها یا جری که فضای چهار ضلعی را تبدیل به، در واقع مربع را تبدیل به دایره می‌کند ما در کوه خواجه داریم که به هر حال این معروف است و همه این را می‌شناسند.

این ویژگی عمده‌ای است که در دوره اشکانی داریم. ستون‌های زیادی در دوره هخامنشی داشتیم، حذف می‌شود؛ به جای‌شان ایوان‌هایی می‌آیند که این ایوان‌ها با طاق‌های آهنگ پوشیده شده و شما دیگر نمونه عالی‌اش را بعداً در دوره ساسانی در "ایوان کسری" می‌بینید دیگر به هر حال زبان زد است و همه می‌شناسند. زمینه‌های این را باید در معماری اشکانی جستجو کرد، به جهت این که معماری اشکانی تغییرات جدی نسبت به معماری هخامنشی دارد.

معماری هخامنشی خب بیشتر از سنگ بود، مصالح رسمی بود، جنگلی از ستون را در بناها می‌توانیم ببینیم؛ مخصوصاً بناهای رسمی و شاهی، اما اشکانیان شیوه‌های خاص خودشان را به کار می‌گیرند و به هر حال ایوان که نمادی از شکوه و عظمت است و در واقع با حذف همان ستون‌ها و قرار گرفتن حاکم یا پادشاه در انتهای ایوان یک جلال و شکوهی را به آن دربار می‌دهد و به هر حال از لحاظ ایجاد و مصالحی که بوم‌آور است، چون به هر حال آجر و خشت را خیلی راحت‌تر می‌شود در همه جا ایجاد کرد و این یکی از شاخصه‌های اشکانی است.

کاربرد گسترده از گچ، کاربرد گسترده گچ بری، کاربرد گسترده نقاشی در بناها و این‌ها اتفاقاتی است که در معماری دوره اشکانی اتفاق می‌افتد.

در مورد تأثیر هنر اشکانی که می‌گوییم تأثیر هنر بر کدام تمدن‌ها بوده، ببینید، دوره اشکانی خب تقریباً می‌آید اغلب متصرفات، اغلب را حالا می‌گوییم، همه نه، متصرفات دوره هخامنشی را در بر می‌گیرد.

ویژگی که در واقع در هنر اشکانی وجود دارد همان معماری خاص، پلان‌های خاص که ما داریم از شرق که در کشور ترکمنستان و افغانستان فعلی باشد تا سوریه در غرب، ما این تأثیرات هنری را داریم.

در شهر "دورا اروپوس"، در در واقع دورا اروپوس دیگر یک در شهر پالمیرا که این‌ها در سوریه هستند، خب در عراق که دیگر ما وقتی از "کتسفون" که به زبان یونانی هست و پیش از آن اسم "سلوکیه" را به ایشان، یونانی‌ها این را به اسم سلوکیه ایجاد می‌کنند؛ بعداً اشکانیان این را توسعه می‌دهند و بعداً در نزدیکی اینجا شهر تیسفون را داریم.

خوب ما دیگر این دل ایران شهر هست. در، مخصوصاً در دوره ساسانی این واژه ایران شهر، دل ایران شهر محسوب می‌شود. یعنی این طور نیست که بگوییم امروز حالا یک کشور جدا شده به اسم عراق این محدوده کاملاً تأثیر خودشان را داشتن از لحاظ شیوه‌های هنری در زمینه، به حضورتان عرض شود که، تمام رخ نمایی که در سکه‌ها هست در زمینه گچ بری‌ها، مثلاً شما گچ بری‌هایی که در قلعه یزدگرد دارید و منسوب به این دوره است، یک تأثیراتی از هنر یونانی، یک تأثیراتی از هنر قدیمی ایرانی و هنر شرقی و حتی تمدن‌های بین‌النهرین را در برخی از گچ بری‌ها می‌توانید ببینید.

بنابراین هم تأثیر گرفتن اشکانیان هم تأثیر دادند. گچ بری، هنر آجرکاری و پلان‌های خاص معماری فراگیر می‌شود طاق‌ها، گنبد‌ها.

این‌ها ویژگی‌هایی است که داریم در کل منطقه باب می‌شود. ولی یک تأثیرات جدی که دارند در واقع ما باید اینجا این موضوع را مد نظر بگذاریم که رود فرات می‌شود حد فاصل بین اشکانیان و رومی‌ها. امپراتور رومی که شکل گرفته، می‌دانید که روم خیلی دارد قدرتمند می‌شود و ما آنجا تأثیرات هنر اشکانی را بر هنر رومی هم می‌توانیم ببینیم که شما حتی بعضی از این محققین در بعضی از نقوشی که حتی در شهر رم هست بحث‌های مربوط به هنر و تاریخ اشکانی و بعد از آن، ساسانی را هم می‌شود پیگیری کرد که این تأثیرات را به این‌ها داشته‌اند.

حالا اضافه بر تأثیرات مادی که صحبت می‌کنیم، مثلاً پوشاک اشکانی، امروز این شنلی که ما استفاده می‌کنیم، خانم "ترودی کوامی"، یک کتابی دارد، "هنر یادمانی ایران در دوره اشکانی"، در واقع من این کتاب را ترجمه کردم پشت جلد کتاب این بخش از جمله ایشان را آوردم که می‌گوید که: «غربی‌ها شنل‌شان را (همین پالتویی که ما امروز

داریم) مدیون اشکانیان شیک‌پوش هستند.» و اشکانیان در دنیای باستان به عنوان مردمی بسیار شیک‌پوش و به هر حال کسانی که لباس‌های زیبا می‌پوشیدند مطرح هستند و حتی این شنل هم یادگار آن‌ها می‌دانند.

خب، در این دوران اضافه بر این وجوه مادی مثل لباس، مثل گچ بری، مثل آجرکاری، پلان و دیگر چیزها ما از لحاظ وجوه معنوی یک اتفاق می‌افتد. میترائیسم یا مهر پرستی در این دوران توسط اشکانی‌ها به رومی‌ها، در واقع معرفی می‌شود، حالا به هر شکل ممکن و این وارد دربار رومی می‌شود و به اسم "دین نوجوا"، یعنی تأثیر معنوی را می‌خواستیم صحبت کنم، به اسم دین نوجوا نام گذاری می‌شود و بسیاری اعتقاد دارند اگر مسیحیت اروپا را نمی‌گرفت امروز شاید اروپا میترائیست بود، یعنی در واقع میترا پرست بود که یک دین ایرانی است.

بنابر این نکته‌ای است که در مورد تأثیراتی نشان می‌دهد که بسیار اهمیت داشتند و به عنوان یک سپر جدی زمانی که رومی‌ها، که خب به هر حال جایگزین یونانی‌ها شده بودند و به هر حال آهسته آهسته سلوکیان هم این وسط حذف شدند، این‌ها همسایه شدند با اشکانیان، که البته آن‌ها بیشتر "پارتیان" نام گذاری می‌کنند، شما امروز در ادبیات غرب اشکانی به کار نمی‌رود. بیشتر کلمه "پارتین" را به کار می‌برند بیشتر آن قبیله و جغرافیایشان را و ما اشکانیان، به جهت سلسله و سلاله پادشاهی این اسم رو نام گذاری می‌کنیم.

بسیاری اعتقاد دارند اگر مسیحیت نمی‌آمد شاید امروز دین آن‌ها در واقع میترائیست بود و این دست تعاملات و در واقع قدرت نفوذ یک حوزه تمدنی را در دوره خاصی از ایران نشان می‌دهد.

خب این نکته‌ای است که در مورد تأثیرات البته می‌شود خیلی صحبت کرد در مورد جزئیات، این کلیتی بود که می‌شود به آن اشاره داشت.

در ارتباط با دوره ساسانی هر چند دانش ما در زمینه ساخت و سازهای رایج در دوره ساسانی با کاستی‌ها و محدودیت‌های زیادی مواجه است و از سویی به هر حال بسیاری از این بافت‌ها در بافت‌های دوره جدیدتر یعنی دوره اسلامی قرار گرفتند و خب، تغییر شکل پیدا کردند، از بین رفتند، به هر حال کاربری دیگری پیدا کردند و

تاریخ گذاری بعضی از این بناها با مشکلات جدی مواجه هستش، اما در مجموع ما در دوره ساسانی اطلاعات قابل توجهی را داریم.

ما در دوره ساسانی تعداد زیادی بنا داریم، کاخها را داریم، خانههای اشرافی را داریم، بناهای مذهبی را داریم، کلیساها را داریم، تعداد زیادی آتشکده را داریم که این به هر حال از ویژگیهای بارز معماری ساسانی است.

یکی از ویژگیهای بارز معماری ساسانی استفاده گسترده از طاق و قوس و به هر حال، طاق و قوسها جهت مسقف نمودن فضاهای و بناهاست که به هر حال طاقهایی که در این دوره، عمده طاقهایی که به کار رفته طاقهای گهواره‌ای است که معمولاً طاقهای گهواره‌ای که در این دوره استفاده می‌شدند از نظر تکنیک ساخت هم از روش داریست در واقع، طاقزنی استفاده می‌شده و هم در واقع از قالب و اینها استفاده می‌شده. شابلون‌های می‌گذاشتند و این طاقها را ایجاد می‌کردند.

خوب ما به طور نمونه مثلاً در ابتدا در حوزه شهرسازی هم به هر حال خیلی مهم است، شهر فیروز آباد را داریم در همان ابتدای ساسانی. شهر بیشابور را داریم که شهر فیروزآباد یک شهر مدور است و شهر بیشابور یک شهر در واقع، هیپودامین است. شهرسازی که در واقع چهارگوش است و خیابانهایی که همدیگر را قطع می‌کنند و تعدادی چهارراه را در بینشان دارند.

خب نمونه عالی طاقزنی را ما در ایوان کسری داریم که به هر حال ویژگی خاصی دارد. از ویژگیهای عمده طاقها در دوره ساسانی طاقهایی هستند که اصطلاحاً به ایشان می‌گویند "طاقهای قوس نعل اسبی" که به این طاقها اگر نگاه کنید یک مقداری پا کار قوس عقب‌تر هست و به هر حال شکل نعل اسب دارند.

خب، نمونه‌اش را به طور مثال در "طاق گرا" داریم، در "المعارید" در عراق داریم که یک بنایی پیدا شده، روی جام‌های نقره‌ای که داریم، به هر حال هنر ساسانی محدود فقط به معماری نیست.

ما قسمت شناخت معماری مان در روی کاسه‌ها و بشقاب‌های نقره‌ای است که تعدادی از آن‌ها در موزه‌های مختلف از جمله، بیشترین شاید تعدادشان در **ارمیتاژ**، در واقع سن پترزبورگ است. در موزه **ارمیتاژ** در موزه، موزه‌هایی در امریکا نیویورک و چندین موزه دیگر که روی این‌ها کار شده و عناصر معماری ساسانی را در این دوره می‌توانیم ببینیم.

خب، ایوان یک ویژگی برجسته معماری ساسانی است که به هر حال وقتی که یک فضای اصلی است و در انتهای ایوان معمولاً **کوریدوری** را طراحی می‌کنند که از همون ابتدای ساسانی هم گفتم این‌ها را داریم.

به طور مثال در همان فیروز آباد در جایی که معروف به کاخ فیروز آباد است البته هر چند عده‌ای می‌گویند "کاخ- آتشکده فیروز آباد"، حالا اسمش را، رویش، قصد نداریم، اما در همین نمونه شما دارید یک ایوان را و چندین ایوانی که بر آن در واقع مسلط هستند و انتهای آن اتاق‌های گنبددار را می‌بینیم که حالا در فیروز آباد، در خود قلعه دختر فیروز آباد در دامغان، در حتی عمارت خسرو در قصرشیرین، این‌ها که پایان ساسانی و حالا بعضی اوایل اسلام می‌دانند این فضاها را ما می‌توانیم ببینیم.

در مرکز در واقع این بنا ما یک حیاطی را داریم که محصور در میان اتاق‌هاست که یکی از ویژگی‌های بارز بخش‌های اساسی معماری ساسانی همین حیاط مرکزی است که اتاق‌های در اطراف آن قرار دارد و این به عنوان یک ویژگی معماری در دوره‌های بعد از آن به هر حال قلمداد می‌شود.

خب ما محوریت درگاه‌های ورودی در واقع یک درگاه ورودی محور است و شما همان بحثی که ما البته از دوره اشکانی فراموش کردم بگویم، ما نخستین بنای چهار ایوانی را در "کاخ آشور"، مربوط به دوره اشکانی در شهر آشور در شمال بین‌النهرین داریم که بنای چهار ایوانی است یعنی چهار ایوان عمده، البته هر چند آن نظم کامل را ندارد اما به عنوان اولین بنای چهار ایوانی مطرح شد.

خب از نظر مصالح هم ما در دوره ساسانی خشت خام را داریم که به عنوان بیشترین مصالح استفاده می‌شده؛ در "کاخ دامغان" در حاجی آباد، "کاخ- خانه اربابی" حاجی آباد، در شهر کیش، در جنوب عراق، در تیسفون استفاده از آجر را داریم و استفاده از طاق‌ها و گنبد‌ها را داریم.

"ایوان کرخه" را داریم در دزفول، "تخت سلیمان" را داریم در آذربایجان خودمان در نزدیکی جنوب دریاچه ارومیه در تیسفون و به هر حال آجرهایی که به عنوان تزئین استفاده می‌شدند. همه این‌ها را داریم.

به عنوان مثال در قلعه دختر که از ترکیبات آجری استفاده شده. مصالح این دوره هم گفتیم از گچ استفاده شده و دیگر مصالح بوم‌آور استفاده شده. در دوره ساسانی بسیاری اعتقاد دارند که در چندین محل از جمله در بیشاپور، تخت سلیمان، کنگاور، طاق‌گرا، پایی کولی در شمال در اقلیم کردستان فعلی در این محل‌ها ما سنگ‌های قالبی تراش خورده را داریم که عده‌ای اعتقاد دارند که این‌ها توسط سنگ تراشان رومی که البته وقتی روم می‌گوییم بیشتر شما سوریه را مد نظر قرار بدهید، بخش‌هایی از سوریه در اختیار ایران بوده و بخش‌های دیگر در اختیار روم بوده و این‌ها متأثر بودن از این داستان.

خب در زمینه شهرسازی گفتم ما شهرهای بزرگ را از دوره سلوکی می‌بینیم که در کل فلات ایران آغاز می‌شود. در دوره اشکانی تداوم پیدا می‌کند و در دوره ساسانی نهادینه می‌شود شهرسازی و به هر حال به عنوان یک سیستم اساسی در می‌آیند و در این شهرهای ما به طور مثال در شهر فیروز آباد ما منارها را داریم که منار در مرکز شهر تقریباً، بناهای مذهبی را داریم، آتشکده‌ها را داریم و این‌ها فضاهایی است که به هر حال نیاز، پاسخگوی نیازهای آن دوره بودند. معماری ساسانی خب در خیلی از جاها امروزه شناخته شده، در جاهای ایران، در بین‌النهرین و به هر حال ویژگی شاخصه آن همین ویژگی‌های کلانی بود که از لحاظ پلان از لحاظ مصالح و از لحاظ حیاط مرکزی و شیوه در واقع مکتب معماری این ویژگی‌ها را دارد.

خب ما اگر از هنر و معماری اسلامی صحبت کنیم بسیاری از محققین معتقدند که اگر ما هنر ساسانی را از هنر اسلامی حذف کنیم تقریباً چیز زیادی باقی نمی‌ماند.

شما نخستین مسجدی که پیامبر مکرم اسلام در شهر مدینه ایجاد می‌کند که داستانش مشخص است، مسجدی ستون‌دار با استفاده از نخل‌هایی که به شکل ستون‌دار هستند و به این مساجد "ستاوند" گفته می‌شود، این اولین شیوه معماری مسجدها در ایران هست که بعد از آن، بعد از این‌که عراق یا همان بین‌النهرین، عراق فعلی، بین‌النهرین فتح می‌شود، ما نخستین مسجدها را در شهر کوفه داریم و به هر حال مسجد کوفه و بعد از آن بصره که این در ابتدا سعی می‌کنند یک مقدار زیادی تقلید کنند از سبک مسجد مدینه اما آهسته آهسته المان‌های ساسانی در این‌ها هویدا می‌شود.

خب در آن ابتدای اسلام مسجد کوفه از همان سبک متداول استفاده می‌کند ولی می‌دانیم که بسیاری اعتقاد دارند که از مصالح بناهای ساسانی برای ساخت این مساجد و حتی دارالاماره کوفه استفاده شد. از آجرها و دیگر مصالح که با همان شیوه یک محلی برای حکومت ایجاد کنند.

خب این استارت آغاز کار بود ولی آهسته آهسته که با برآمدن بنی امیه از سال ۴۱ آهسته آهسته، ۴۱ هجری و خب ایجاد یک شکوه سلطنتی و قرار گرفتن دمشق به عنوان پایتخت ما می‌بینیم که هم تأثیر هنر ایرانی و هم تأثیر هنر رومی را می‌شود در این‌ها دید.

شما به عنوان مثال مسجد دمشق که به هر حال یک معبد هزار ساله بوده و امروز هم به عنوان مسجد استفاده می‌شود، چندین بار تعویض شده برای معابد مختلف و نهایتاً پیش از این که تبدیل به مسجد بشود یک کلیسای بزرگ بوده و بعد از آن تبدیل به مسجد می‌شود.

خوب می‌بینیم که این تأثیرات آن طرف، روم را باید دید ولی در این سمت تأثیرات ایران را در کاخ‌هایی که پادشاهان اموی در "خربة المفجر" خصوصاً و در چند محل دیگر می‌سازند ما نقش برجسته‌های سنگی و آثاری

را داریم که به شدت متأثر از هنر ساسانی است. و آهسته آهسته این هنر شکل می‌گیرد. بسیاری منارها را متأثر از منارهای دوره ساسی می‌دانند.

ما دو منار معروف را از قبل از اسلام داریم؛ یکی منار فیروز آباد که در مرکز شهر فیروز آباد هنوز بالغ بر ۴۰ متر ارتفاع این است و در مرکز شهر قرار دارد که منار هم به معنای محل نور می‌دانند به هر حال در بحث‌های علمی که مطرح می‌شود بعداً این بحث گفتن اذان مطرح می‌شود. چون به هر حال جایی بوده، بلند بوده و مشرف بوده بر شهر. ولی منارها را از کلمه‌اش یعنی جایی که محل نور است. در واقع محل راهنمایی کاروان‌ها بوده که از دور خوب مثل امروز نبود که بتوانند چراغ‌هایی را داشته باشند.

اگر کاروانان در دور دست بودند می‌توانستند محل شهر را یا مسیرشان را تشخیص بدهند. بیشتر به این، قبل از اسلام متن هستش، و حتی منار فیروزآباد یا منار نورآباد ببخشید یا میل اژدها را هم داریم که این هم باز از دوره اشکانی مطرح یک بنای سنگی که در مسیر نور آباد هستش؛ نورآباد ممسنی.

بنابراین این ویژگی‌ها را داریم که این‌ها آهسته آهسته در هنر اسلامی تأثیر می‌گذارند به جهت محدودیت‌هایی که در ابتدا در هنر اسلامی و خصوصاً در بناهای مذهبی در مثل مساجد وجود داشته، نقش انسان و حیوانات محدود بوده.

بنابراین از نقوش هندسی استفاده می‌شده که باز در این میان بیشترین تأثیر را هنرمندان ایران، ریاضیدانان ایران، و هندسه دانان ایرانی انجام دادند و ما می‌بینیم که در بناهای مختلف از این موتیف‌های، در ابتدا در گچ بری‌ها، آجر کاری‌ها و نهایتاً در کاشی کاری‌ها که اوج آن را دیگر در دوره صفویه در دوره اسلامی شما در مسجد شیخ لطف الله می‌توانید اوج هنر کاشی کاری را، یا مسجد امام و دیگر جاها، حالا این‌ها خیلی اوج هستند و به هر حال مطرح هستند، مطرح می‌کنیم. و در سایر بخش‌ها هم این تأثیرات هنر ایران پیش از اسلام را ما می‌توانیم در جاهای مختلف ببینیم مخصوصاً در هنر آل بویه که سعی می‌کنند حتی خیلی از موتیف‌های دوره

ساسانی را خصوصاً آهسته آهسته زنده کنند. و در دوره سامانیان یک نوع رجعتی به هنر ایرانی پیدا می‌شود که بعضی رنسانس هنر ایرانی در هنر اسلامی می‌دانند.

به هر حال بودن کتیبه‌ها در برج‌ها که ما نمونه‌های اولیه را در برج‌های "لجیم"، "رسکت" و "سوادکوه" داریم در شمال کشور که برج-مقبره‌ها هستند. کتیبه‌هایی هم به زبان پهلوی و هم آهسته آهسته زبان کوفی و این به عنوان جزئی از المان بنا می‌آید و دیگر نمونه عالی آن را در خطوط ثلثی می‌بینیم که در بسیاری از مساجد، در کاشی‌ها هستند و امروز هم این هنر را داریم و نشان می‌دهد این در هنر ساسانی وجود داشته و بعداً در دوره اسلامی تداوم پیدا می‌کند.

ما سنگ قبرهای زیادی را در دوره ساسانی داشتیم که بعد از اسلام هم همین شیوه در ایران ادامه پیدا می‌کند و به هر حال بار این تأثیرات را در سنگ‌های قبوری که مخصوصاً در قرن هفتم و هشتم و نهم که سنگ قبرهای کوفی بسیار زیاد زیبایی را داریم می‌توانیم ببینیم و در هنرهای مختلف.

حالا در حوزه کلان معماری، گنبد، بسیاری اعتقاد دارند که گنبدهایی که در مساجد داریم همان گنبدهایی است که در چهار طاقی‌های ساسانی داشتیم.

مطالعات زیادی در زمینه چهار طاقی‌ها شده. صدها چهار طاقی در کشور شناسایی شده که البته در مورد کاربری آن‌ها بحث‌های زیادی مطرح است اما موضوع مهم این است که این گنبد نقطه اساسی و محوری مسجد ما است که بسیاری از محققین اعتقاد دارند که بعد از اسلام، با بستن سه، چون چهار طاقی‌ها از چهار طرف در داشتند، با بستن سه ضلع این تبدیل به یک شبستان می‌شود و به هر حال آهسته آهسته نخستین مساجد بر، در واقع آتشکده‌ها شکل می‌گیرند اما شکل و پلان آنها تأثیر خودش را می‌گذارد و به عنوان یک جایی که پر عظمت است، جایی که در واقع امام جماعت ما می‌رود آنجا، می‌تواند صحبت کند، صدا منعکس می‌شود، انعکاس صدا را داریم و مهم‌ترین بحث این است که ستون نیست که جلوی این را ببیند و می‌تواند به سادگی با

مخاطبین خودش که همان نمازگزاران و مستمعین هستند مستقیم صحبت کند و شکوه این هستش که آهسته آهسته همان منارهایی که گفتیم در دو سمت ایوان و گنبد شکل می‌گیرد، یک مقدارش بحث زیباییست؛ مقدار زیادش بحث ایستایی است و از لحاظ مهندسی است که این حجم عظیم ایوان را نگه دارد.

به هر حال این تأثیرات کلان است که معماری ایرانی بر معماری اسلامی گذاشته و به نوعی برخی از محققین اعتقاد دارند، مثل آقای هوشنگ سیحون که ما به هیچ عنوان نمی‌توانیم بگوییم معماری اسلامی. این همان امتداد معماری ایرانی در دوره اسلامی البته این یک نظر است؛ حالا موافقینی دارد و مخالفینی دارد.

بنابراین تأثیر ایران بر اسلام از جنبه‌های مختلف هنری و معماری در این دوران بسیار بسیار عظیم بوده و به هر حال غیر قابل چشم پوشی که افراد زیادی در مورد این صحبت کردن و مقاله نوشتن.

موفق باشید.